

عنوان مقاله:

درباره بنیاد گنوسی گناه (نادانی و ناسپاسی) فریدون

محل انتشار:

شاهنامه و زبان فارسی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

حمیدرضا اردستانی رستمی - دانشیار مرکز تحقیقات باستانشناسی و گردشگری، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

خلاصه مقاله:

برخلاف شاهنامه که در آن فریدون با ویژگی‌هایی نیک ستوده شده است، در متن پهلوی مینوی خرد به تغییر کردن او به دست اهریمن (از نامیرایی به میرایی رسیدن) و ناسپاسی او به واسطه کم بهره‌گی اش از خرد اشاره شده و در متن روایت پهلوی هم آمده است که او هرمزد را خوار داشته است. پیش از این برخی پژوهندگان، علت گناهکاری فریدون را در تقسیم جهان جست‌وجو کرده‌اند و نگارنده نیز با این دیدگاه همدل است. می‌دانیم دوره اشکانی، از یک سو عصر رشد نخله‌های گنوسی بوده است و از سوی دیگر، این دوره عصر شکل‌گیری روایت‌های ملی است؛ پس باید بپذیریم روایات ملی از اندیشه‌های گنوسی در دوره پارتی متأثر شده است که در شاهنامه، نشانه‌هایی از این تأثیرپذیری را می‌یابیم؛ چنان‌که به باور نگارنده، ناسپاسی / گناه فریدون را باید برآیند همان تقسیم جهان دانست که در چارچوب اندیشه‌های گنوسی تحلیل پذیر است. در باورهای گنوسی، شر به واسطه یک خطا یا نادانی (واژه‌ای که گنوسی‌ها به جای «گناه» به کار می‌برند) در جهان حکمران می‌شود؛ همان‌گونه که فریدون هم با تقسیم جهان میان فرزندان، عمری طولانی به شر و شرارت می‌بخشد و کینه را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. مطابق با مینوی خرد (۲۰: ۱۸)، کسی که چنین کند به وظیفه اش درست عمل نکرده است و میرا می‌گردد؛ چنان‌که در جای دیگر از این متن (۷: ۲۷-۲۸) به میرا شدن فریدون اشاره شده است. از این سخنان درمی‌یابیم گناه فریدون همان تقسیم جهان است که به نهادینگی شر می‌انجامد. در جهان شاهنامه نیز می‌بینیم همه ناگواری‌هایی که تا پایان فرمانروایی کیخسرو رخ می‌دهد، ریشه در تقسیم جهان دارد. مطابق شاهنامه، دقیقاً فریدون پیش از بخش کردن جهان، اختر فرزندان را بدیشان می‌نماید و یقین می‌یابد «که آشوبش و جنگ بایست بود»؛ اما علی‌رغم این اطمینان، او به خطای بخش کردن جهان دست می‌یازد و شر را در هستی نهادینه می‌کند.

کلمات کلیدی:

گنوسیسم، فریدون، تقسیم جهان، خطا / نادانی / ناسپاسی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1505675>

